

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جستاری فقهی و حقوقی پیرامون قاعده عدالت

تألیف

حسین پندار



انتشارات آذرگان

۱۳۹۵

سرشناسه: پنداره، حسین، ۱۳۶۳ -

عنوان و نام پدیدآور: جستاری فقهی و حقوقی پیرامون قاعده عدالت/ تالیف حسین پنداره.

مشخصات نشر: کرج: آذرگان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۱۵ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال: ۲-۲-۹۷۴۶۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: قاعده عدل و انصاف

موضوع: Equity

موضوع: قاعده عدل و انصاف — ایران

موضوع: Equity— Iran

موضوع: عدالت — جنبه‌های قرآنی

موضوع: Justice — Qur'anic teaching

موضوع: قواعد

موضوع: Islamic law — *ormine

رده بندی کنگره: ۲۹۷ / ۵ / ۹ / ۷۴۲ K

رده بندی دبی: ۴/۳۲

شماره کتابشناسی: ۳۷۰۱

عنوان کتاب: جستاری فقهی و حقوقی پیرامون قاعده عدالت

مؤلف: حسین پنداره

انتشارات آذرگان

نوبت چاپ: اول

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال: ۲-۲-۹۷۴۶۴-۶۰۰-۹۷۸

صفحه آرابی: اکرم ملک نژاد

چاپ و لیتوگرافی: چاپ کسری

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

کرج: میدان آزادگان، خیابان شاهد پلاک ۲۸، کدپستی ۳۱۴۹۶۶۹۵۹۶۳۱

azargan95@gmail.com

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۱۰	تعاریف و مفاهیم
۱۰	مبحث اول: مفهوم عدالت
۱۱	مفهوم عدالت در لغت
۱۳	سطوح مختلف در تعریف عدالت
۱۴	تقسیمات و اطلاقات عدالت
۱۵	نواع عدالت
۱۸	مبحث سوم: قاعده فقهی
۱۸	گفتار اول: تعریف قاعده فقهی
۱۹	گفتار دوم: تفاوت ای و قواعد فقهی و قواعد اصولی
۲۲	گفتار سوم: تفاوت مسئله فقهی و قاعده فقهی
۲۵	دیدگاه موافقان و مخالفان قاعده عدالت
۲۵	اختلاف در تشخیص عدالت
۲۶	موافقان عدالت به عنوان یک قاعده فقهی
۲۹	دلایل قاعده
۲۹	مبحث اول: آیات
۳۰	گفتار اول: مفهوم شناسی عدالت در آیات
۳۱	گفتار دوم: دلالت آیات بر قاعده عدل و انصاف
۳۳	طرح چند اشکال
۳۵	گفتار سوم: دلالت آیات بر قاعده فراگیر عدالت
۴۰	مبحث دوم: روایات
۴۰	گروه اول
۴۵	طرح اشکال بر دلالت روایات
۴۷	گروه دوم روایات
۴۷	روایت شماره ۱
۴۸	بررسی سندی
۴۹	دلالت

۵۰.....	اشکال بر روایت.....
۵۱.....	روایت شماره.....
۵۲.....	اشکال سندی.....
۵۳.....	اشکال بر دلالت.....
۵۴.....	روایت شماره ۳.....
۵۵.....	اشکال بر روایت.....
۵۵.....	دسته دوم روایات.....
۵۵.....	روایت شماره ۱.....
۵۶.....	روایت شماره.....
۵۶.....	اشکال بر روایت.....
۵۷.....	روایت شماره ۳.....
۵۷.....	اشکال بر سند روایت.....
۵۷.....	دسته سوم روایات.....
۵۸.....	روایت شماره ۱.....
۵۸.....	روایت شماره ۲.....
۵۹.....	طرح اشکال.....
۵۹.....	دسته چهارم روایات.....
۶۰.....	روایت شماره ۱.....
۶۰.....	روایت شماره ۲.....
۶۰.....	اشکال بر روایات.....
۶۱.....	جمع بندی دلیل سنت.....
۶۳.....	مبحث سوم: شهرت.....
۶۴.....	مبحث چهارم: سیره عقلا.....
۶۵.....	وجود سیره.....
۷۱.....	مبحث پنجم: حکم عقل.....
۷۳.....	بررسی حکم عقل در قاعده عدل و انصاف.....
۷۳.....	بیان اول.....
۷۳.....	اشکال.....

۷۴.....	بیان دوم.....
۷۴.....	اشکال آیه الله حکیم.....
۷۴.....	بیان سوم.....
۷۵.....	اشکال.....
۷۵.....	مقایسه ادله و جمع بندی مفاد قاعده.....
۷۷.....	گستره کاربردی قاعده عدالت.....
۷۸.....	نواردی از کاربرد قاعده عدالت در فقه.....
۷۸.....	نتیجه اول - استنباط براساس قاعده عدالت.....
۷۹.....	گفتار دوم: نظرات فقها و حقوقدانان.....
۸۹.....	گفتار سوم: اصول مصادیق عدل در قلمرو زمان و مکان.....
۹۱.....	رابطه قاعده احکام اولیه و دیگر قواعد فقهی.....
۹۱.....	مبحث اول: رابطه قاعده فراگیر عدالت با احکام اولیه.....
۹۱.....	الف - حکومت عدل بر احکام اولیه.....
۹۳.....	ب - انصراف یا تقييد اد : توسعاً قاعده عدالت.....
۹۴.....	مبحث دوم: تعارض قاعده عدل با سایر قواعد فقهی.....
۹۴.....	قاعده لاضرر.....
۹۵.....	قاعده قرعه.....
۹۶.....	قاعده ید.....
۹۷.....	تطبیقات فقهی قاعده.....
۱۰۱.....	مبحث سوم: بررسی « عدالت » در محاکم حقوقی ایران.....
۱۰۲.....	عدل و مساوات.....
۱۰۳.....	عدالت از دیدگاه دین.....
۱۰۴.....	قلمرو اجرا قاعده.....
۱۰۵.....	فصل چهارم.....
۱۰۵.....	نتیجه گیری.....
۱۱۰.....	منابع.....

مقدمه

بر اساس پیش فرض‌های کلامی در معارف اسلامی که در اینجا مسلم انگاشته می‌شود، آفرینش این جهان بر اساس عدالت، و حساب و کتاب آن بر پایه عدالت و تشریح احکام شرعی نیز بر مبنای عدالت است. ظلم نه در تکوین نه در جزا و نه در تشریح الهی راه ندارد. آیا شارع خود متصدی تأمین عدالت در احکام شده و همه احکام عادلانه را خود عمل و عمل کرده است یا لاقلاً بخشی از آن را بر عهده بشر گذاشته است؟

آیا انسان می‌تواند بر اساس عدالت در تشریح، حکم الهی را در موضوعات مربوط به آن کشف کند؟ آیا ممکن است حکم در یک زمان عادلانه و در زمان دیگر ظالمانه باشد؟ اگر عرف حکمی را در زمان خوب یا مانده دید آیا هنوز باید پایبند به آن بماند؟ تشخیص عرف از مصداق عدالت و ظلم تا حد اندازه معتبر است؟ آیا تشخیص عرف از مصداق عدالت و ظلم می‌تواند معیار اثبات نفی حکم شرعی گردد؟

در زمان که فرهنگ‌های بیگانه هر دم با توجیه و تفسیر خود، برخی از احکام اسلام را ظالمانه معرفی کرده و با معیارهای خود برای ما فرهنگ سازی می‌کنند مجال بحث از «قاعده عدالت» رونق تازه‌ای یافته است.

عوامل متعددی باعث دشواری بحث از قاعده عدالت شده است. مهم‌ترین عوامل دشواری این بحث عبارتند از:

۱- گستره عدل و ظلم، همه احکام مربوط به اجتماعیات اسلام را در بر می‌گیرد. خوف اینکه باز شدن مسیر عدالت در فقه، فقه موجود را متحول، و به فقه جدیدی تبدیل کند این مصلحت را تداعی می‌کند که اصلاً این مسیر از ابتدا باز نگردد.

۲- مباحث مربوط به عدالت، بسیار متعدد، در هم تنیده و اختلافی است. این مباحث، آن قدر مجمل است که گرچه همه مکاتب در کلیات آن مشترکند ولی با هر قدم به سوی جزئیات، اختلافات متعدد، خود را نشان می‌دهد. این مسئله باعث سهل‌منتع بودن عدالت شده است.

۳- طرح ایده‌های جدید در حوزه علوم دینی با مشکلاتی مواجه است؛ از جمله اینکه بسیاری از این ایده‌ها بیشتر صبغه سیاسی داشته و با بهره برداری‌های سیاسی و گاه تبلیغاتی صبغه علمی آن کمرنگ‌تر شده است. این مسئله جو حاکم بر این گونه مباحث را با نوعی دفاع از پیش داوری شده آمیخته کرده است. همچنین از جمله این مشکلات، فقدان سازوکارهای مناسب طرح ایده‌های جدید است. اگر جلسات مخصوصی برای طرح این ایده‌ها با حضور متخصصان و صاحب نظران و با صبغه کاملاً علمی و با حمایت و تشویق از نوآوری و با جامع‌نگری و پشتیبانی از تحقیقات - سیه‌ای درباره این ایده‌ها تشکیل شود به هیچ وجه لازم نیست ایده‌های نو، قبل از تنذیح و پشتیبانی علمی و فضاسازی مناسب در سخنرانی عمومی و مجله و روزنامه مطرح و مسائل دینی با دیگر علوم متفاوت است. افکار عمومی در حوزه مسائل دینی نباید - شنید و در هم ریخته و هر دم در آستانه تغییری جدید باشد. اگر تحولات سریع مسائل - موم دیگر، یک حرکت مثبت و رو به توسعه به شمار می‌آید در مسائل دینی این گونه نیست. از این رو نوآوری‌های دینی نخست باید در مجامع تخصصی منقح شود و با ندهی جاه - همه حواشی آن و با فضاسازی مناسب وارد افکار عمومی غیر متخصص گردد.

مسئله عدالت از دیرباز جزو مهم‌ترین اغذیه‌های بشر و ادیان الهی بوده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان تحقق قسط و عدل را از بزرگ‌ترین اهداف بعثت پیامبران و تشریح ادیان الهی به‌شمار آورد. مسئله عدالت به‌قدری در سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها اهمیت دارد که حتی حکومت‌های جور نیز ریاکارانه - راه - صاف به آن دانسته و برای جلب قلوب مردم، هدف خود را تحقق قسط و عدل اعلام می‌کنند.

از منظر فقه نیز عدالت در عرصه‌های گوناگون زندگی انسان نقش اساسی دارد؛ از امام جماعت گرفته تا مرجعیت تقلید و تا زعامت عالیه جامعه اسلامی، همه مشروط به عدالت هستند؛ سیستم قضایی اسلام بر محور عدالت قاضی و شهود می‌چرخد و به‌طور کلی در بسیاری از ابواب فقه، از عبادات و معاملات، عدالت نقش محوری دارد. از این رو فقهای امامیه به شناخت مفهوم عدالت و شفاف‌سازی تعریف آن همت گماشته و فراوان به نقض و ابرام پرداخته‌اند؛ ولی نتیجه واحدی به‌دست نیامده و آرای گوناگونی ارائه داده‌اند؛ برخی عدالت را از قبیل ملکه نفسانی دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۸،

ج ۳، ص ۴۹۴؛ انصاری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۶؛ امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۰؛ برخی گفته‌اند عدالت از قبیل ملکه نیست، بلکه عبارت است از خود اعمال خارجیه، از انجام واجبات و ترک محرمات، بدون آنکه مستند به ملکه باشد (ابن‌ادریس، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۷؛ موسوی خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۳)؛ برخی دیگر عدالت را صرف اسلام با عدم ذاهور فسق دانسته‌اند؛ بدین معنا که اگر کسی مسلمان باشد و از او در خارج فسقی ظاهر نشود، حکم به عدالت او می‌شود (حسینی عاملی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۲۶۷؛ نجفی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۴۶۶)؛ جمعی نیز عدالت را صرف حسن ظاهر به‌شمار آورده‌اند (مید، ۲۱، ص ۷۲۵). علاوه‌براین، مشهور فقهای متأخر از علامه حلی، مروت را در مفهوم عدالت شرط دانسته‌اند (انصاری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۹). در مقابل، بعضی فقها نیز مروت را در مفهوم عدالت شرط نمی‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۵۸؛ موسوی خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۸).